

هوس و کالت!

✧ منتظره الوکاله‌ها

✧ و کلاه بی موکل

✧ ثمرات آزادی فعلی زنان

✧ ملاک شخصیت زن در این اجتماع

✧ زنان سویس

✧ مردان هوسباز

✧ ✧ ✧

معمولاً هر وقت سخن از وکالت بمیان می‌آید دهان « منتظره الوکاله‌ها » بمقتضای « وصف العیش نصف العیش » آب می‌افتد؛ اخیراً « منتظره الوکاله‌ها »؛ هم بآنها اضافه شده‌اند.

منتظره الوکاله‌ها همان چند نفری از بانوان هستند که هر يك معدودی رادور خود جمع کرده و جمعیت‌هایی تو خالی با اسامی و القاب درشت و بر آب و تاب تشکیل داده‌اند و عنوان نمایندگی نام‌الاختیار بانوان ایران را هم بخود بخشیده‌اند، و خود را وکیل مدافع حقوق حقه زنان رنج‌دیده ایران معرفی می‌فرمایند!

این چند نفر بامید اینکه روزی چند کرسی وکالت هم در اختیار آنها گذاشته شود و با اصطلاح از این نمند کلاهی هم بآنها داده شود حد اکثر کوشش و فعالیت خود را بخرج می‌دهند و در هر محفل و مجلسی می‌نشینند بیاد «خواهران ستم‌دیده خود و حقوق از دست‌رفته آنها» نوحه‌سرایی میکنند.

ضمناً برای اینکه گفته شود: «این خانمها اروپا دیده‌اند» گاهی سفری بآنجا کرده و گردش و تفریح و سیرو تماشا می‌بم‌ل می‌آورند و با اصطلاح روز «مطالعه» میکنند و بایکدنیا

معلومات تازه! بمیهن عزیز خود باز میگردند و مصاحباتی هم بعمل میآورند. هر وقت سر و صدای دربارہ انتخابات بلند میشود آنها هم چند نفر اطرافیان خود را تحریک میکنند و سر و صدای تازه‌ای در گوشه و کنار برآه می‌اندازند؛ چند روز نامه نویس معلوم الحال هم بمللی که شاید احتیاج بتذکر نداشته باشد گفته‌های آنها را با آب و تاب منعکس می‌سازند و دلسوزی میکنند.

یکی از این صحنه‌سازها چند روز قبل تکرار شد و گروه عظیمی! (گروهی که تعدادشان از پانزده نفر تجاوز نمی‌کرد) با شمارهای آتشین و داغ درب مجلس سنا اجتماع کردند و حقوق از کف رفته خود را با جوش و حرارت غریبی بازخواست می‌نمودند، و بالاخره این تظاهرات دهنه‌دار با چند شوخی و متک سنا تورهادر باره «مقدار واقعی سن بانوان!» خاتمه پذیرفت، لاابداخبار مربوط باین تظاهرات عظیم را با حروف درشت در صفحه اول همان روزنامه‌ها مطالعه فرمودید.



وکیل‌های بی‌موکل!

ماکار باین افراد داعیه و مقاصد آنها نداریم، بقول بعضی چون فعلا آزادی است بگذارید آنها هم هر چه می‌خواهد دلشان بگویند. ولی مطلبی که برای ما لاینحل مانده؛ اینست که معلوم نیست که این مقام نمایندگی یاقیمومت و ولایت نسبت بده میلیون زنان ایران را چه کسی بآنها داده است و طبق کدامیک از قوانین دنیا آنها چنین حقی را برای خود قائل شده‌اند؟ تنها جوابی که برای این سؤال بنظر میرسد اینست که آنها خیال میکنند زنان و بانوان ایران فقط همان چند نفری هستند که دور آنها را گرفته اند و بقیه با اصلا وجود ندارند یا در نظر آنها جزء آدم حساب نمی‌شوند!

ولی باید بآنها حالی کرد که غالب زنان ایران نه تنها از کارهای آنها خوششان نمی‌آید بلکه متفرویزارند و راه تحقیق در این باره هم چندان دشوار نیست؛ اکثریت قریب باتفاق زنان ایران ترجیح میدهند سخانه دار باشند و زندگی خانوادگی و تربیت نسل آینده را بر همه چیز ترجیح میدهند.

دلیل این موضوع روشن است، مدتهاست آزادیهای گوناگونی بآنها داده شده بطوریکه میتوانند در اکثر شغلها و کارها شرکت کنند ولی جز تمداد معدودی از این حق استفاده نکرده و زندگی خانوادگی را ترجیح داده‌اند.



نمرات آزادی فعلی

زنان ایران مسلمانند و غالب آنها بدستورات دینی خود علاقه مندند و از این بی بند و باری و رسوائی که بدنبال آن آزادی اجتماعی بوجود آمده سخت در عذابند و از کسانی که میکوشند باین آتش فساد دامن بزنند جدا متفرند .

امروزه ما بخوبی میدانیم که عده ای از زنان اجتماع ما بر اثر همین آزادی لعنتی که بفلسطین اسم بر آن گذارده شده ، از فرق تا قدم در منجلاب فساد غرقند و دسته دسته جوانان را هم بدنبال خود میکشاند ، بطوریکه این موضوع بصورت یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی مادر آمده است .

آثار این فساد و انحطاط اخلاقی که دامنگیر این دسته شده در همه جا نمایان است . از آن رسوائیهای کناردریا گرفته تا جریاناتی که در کوچه و بازار و خیابان میگردد همه شاهد این مدعاست ؛ مطلب باندازه ای روشن است که هر کس در آن تردید کند بقول حافظ « بر عقل و حکمت او خندند مرغ و ماهی » .

آنهمه پرونده های جنایتهای جنسی که نمونه هایی از آن هر روز در صفحه حوادث روزنامه ها دیده میشود ؛ آنهمه طلاق و طلاق کشی ، آنهمه مراکز سرسام آور فساد ، آنهمه مد پرستی و خود آرائی همه میوه های تلخ این نهال شوم است .

زنان مسلمان ایران این آثار را با چشم خود دیده اند و نتیجه آنرا چشیده اند و هرگز میل ندارند این بدبختیها توسعه پیدا کند ؛ و همینهاست که زحمت استدالات دامنه - دار علمی را برای اثبات اختلاف ساختمان روحی و جسمی زن و مرد و آمادگی هر یک را برای یکنوع وظیفه اجتماعی از دوش ما بر میدارد . راستی شرم - آور است که پس از اینهمه رسوائیها باز کسی ادعاه کند که زنان کشور مادر این دوران چند ساله با مصطلح آزادی ؛ ترقی و پیشرفت کرده اند .



ملاك شخصیت زن در این اجتماع

بارها این سخن را گفته ایم که اگر بخواهید بدانید زنان ما بچه روز افتاده اند به بینید ملاك شخصیت و شهرت زن در میان طبقاتی که از این آزادی سهم بیشتری دارند چیست ؟

آیاداشتن معلومات کافی و فضائل اخلاقی ملاک فضیلت است ؟ نه . زنان تحصیل کرده و دانشمند و پاکدامن و باتقوی غالباً گمنامند . شخصیت و شهرت و احترام و درآمد سرشار مال یک مشت زنان معلوم الحال است که نام «هنرمند» روی خود گذارده اند و هزار گونه کثافتکاری و هرزگی را تحت این نام انجام میدهند .

در محافل آنها پیش از همه چیز صحبت از مدلباس و کفش و کلاه است ، هنوز پاییز نشده بفکر مدهای زمستانی و هنوز زمستان شروع نشده مقدمات مدهای بهاری را فراهم میسازند و بیشتر اوقات شبانه روز آنها صرف شود آرائی و تفریح و شرکت در مجالس شب نشینی و غیره میشود .

له و وظیفه مادری را انجام میدهند نه کار مثبتی در اجتماع دارند و سر بار بهمام معنی اجتماع ، آنها هستند ؛ این نتیجه شومی است که آزادی زن خواه ناخواه در اجتماع ما بوجود آورده است ؛ حال شما اسم آنرا استفاده یا سوء استفاده از آزادی بگذارید برای ما فرق نمیکند .

لابد شنیدید که در همین انتخابات گذامی گذشته ، جمعی از جوانان ولگرد که خواسته بودند روحیات خود را به نشان دهند بنام همان شخصیتهای برجسته جامعه زنان ایران ؛ (همانهایی که نام هنرمند بر آنها گذارده اند) رأی ریخته بودند . یعنی اگر روزی بنا بر انتخابات بانوان شود و کلاه ما اینها هستند تا در راه فراهم ساختن وسائل شهوترانی هر چه بیشتر ، در مجلس حداکثر کوشش را بخرج دهند (اینها از نگاهی خطری است که در گوشه و کنار بصدا در میآید !) .

البته حالا که این صحبتها و میتینگها درباره انتخاب کردن و انتخاب شدن بانوان جنبه شوخی دارد ، منظور ما هم اینست که بانوان مسلمان مخصوصاً طبقه جوان را بیدار کنیم مبادا گول این «منتظره الوکاله» را که برای نیل بمقاصد شخصی خود ؛ سنگ دفاع از حقوق آنها را بسینه میزنند ، نخوردند و آلت اجراء مقاصد شوم آنها نشوند .

مردان مسلمان هم در این موقع که گفتگوی اصلاح قانون انتخابات است بیدار و بهوش باشند نکنند یک روز این حرفها از شوخی بر سر «مقدار سن» تجاوز کرده و جنبه جدی بخود بگردد ؛ ولی اگر معلوم شود چنین تصمیمی در کار است همه مسلمانان (اعم از زن و مرد) جدا بآ آن مبارزه خواهند کرد !

زنان سویس

طرفداران شرکت‌کنندگان در انتخابات معمولاً باین جمله تکیه میکنند که : « وضع فعلی زنان کشور ما شبیه وضع دوران توحش است و با عصر تمدن بشر سازش ندارد و اگر قانون اساسی بزنان اجازه شرکت در انتخابات را نداده بواسطه همین است که در موقعی تدوین شده که وضع دنیا مثل امروز نبوده » .

ولی گویا اینها نمی‌دانند که در کشور «سویس» که کاملترین مظهر تمدن فعلی بشمار بی‌رود و معروف است که تمام اهالی آنجا باسواد و درس خوانده‌اند و خلاصه در تمدن و فرهنگ در دنیا ضرب‌المثل می‌باشند ، زنها (جز در چند ایالت محدود) حق شرکت در انتخابات را ندارند ، چه طور شد آنها که سرمداران تمدن جدید هستند باین نکته واقف نشدند اما چند بانوی ابرائی که اگر در تمام عمرشان یک مرتبه (برای گردش) بسویس مسافرت کنند مایه افتخار و مباهات آنهاست ، این مطلب را فهمیده‌اند ؟ مگر کاتولیک تراز پاپ هم تصور میشود ؟ .



مردان هوسباز

برای اینکه صحبت‌های مایک‌طرفه نباشد ذکر این نکته را لازم میدانیم که مهمترین موضوعی که دستاویز بنسبت این عده می‌دهد همان کارهای بی‌رویه عده‌ای از «مردان هوسباز» و سوء استفاده از حقوق اجتماعی و شرعی است .

اجحافات و تم‌دیاتی که از ناحیه این عده مردان نسبت بطبقه زنها میشود راستی شرم - آواراست . اینها هستند که برای رسیدن بهوس دل حاضر میشوند کانون خانوادگی را از هم بیاشند ؛ همسران خود را آواره و کودکان خود را بی سر پرست گذارده و وسائل سقوط اخلاقی آنها را فراهم سازند . اینها علاوه بر اینکه بهره‌ای از ثریت دینی و اسلامی ندارند از اصول انانیت و بشریت هم بیخبرند . ولی برای محدود ساختن این دسته خوشبختانه باندازه کافی قوانین دینی و مدنی داریم که باید بدست دربار آنها اجرا شود .